

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم

بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Economic

اقتصادی

والنتین کاتاسونوف* (Valentin Katasonov)

برگردان و مؤخره: ا. م. شیری

۱۱ جون ۲۰۱۳

مصادره سپرده های بانکی به مثابه چشم انداز جهانی

در ماه مارچ ۲۰۱۳ در جزیره قبرس حادثه ای اتفاق افتاد که امروز همه جهان از آن با خبر است. واقعیت آن عبارت از مصادره بخشی از پس اندازهای بانکی در بانکهای قبرس بود. گاهی اوقات سعی کردند این مصادره را به عنوان یک اقدام اضطراری خارج از قاعده امور بانکی و اقتصاد بازاری تعریف نمایند. اما بسیاریها بر این باوراند که مصادره سپرده های بانکی به زودی به یک معیار زندگی تبدیل خواهد شد.

حادثه قبرس چیزی جز آزمایش از پیش برنامه ریزی شده بسیار بد نبود که دولتهای اتحادیه اروپا طراح آن بودند و دولت قبرس مجری آن. این تصمیم فوق العاده بود، و خود حادثه قبرس را نباید به عنوان یک رویداد مجرد نگاه کرد. به باور ما، اگر این یک آزمایش بوده باشد، در واقع، خوب از پیش طراحی شده و توافق شده در بالاترین سطح، تنها در اروپا نبوده است. اما خود عمل مصادره سپرده های بانکی در این جزیره را می باید به مثابه یک رویه، تجربه و آزمون شناخت. آزمونی بود برای فردا، برای اجرای عملیات مشابه در سراسر جهان.

قبلاً، در سالهای ۲۰۰۹ و ۲۰۱۰، در جلسه های «جی ۷»، «جی ۸»، «جی ۲۰» و غیره، زمانی که راههای خروج از بحران مالی جهانی مورد بحث و مذاکره قرار گرفت، شیوه های مختلف غیراستاندارد برای نجات بانکها در شرایط بحرانی، من جمله به کمک پولهای سپرده گذاران، یا از طریق «اصلاح» تمام یا بخشی از سپرده ها، یا به شیوه «بلوکه کردن» پولها (تا بازسازی کامل بانکها) و یا از راه تبدیل اجباری سپرده ها به سهام بانکها مطرح گردید. حتی پس از فرونشستن اولین موج بحران مالی نه تنها این ایده ها از میان نرفتند، بلکه، در اتاقهای مؤسسات مالی بین المللی (بانک تسویه های بین المللی، صندوق بین المللی پول، کمیته ثبات مالی)، بانکهای مرکزی، سازمانهای نظارت بر بانکداری و مالی کشورهای «میلیاردر طلائی» مورد تحقیق و بررسی قرار گرفتند. از جمله، در ماه دسمبر سال ۲۰۱۲ کار تحقیقات بانک مرکزی انگلیس و شرکت امریکائی بیمه سپرده ها که به صورت گزارش «Resolving Globally» تدوین شده بود، خاتمه یافت. تنظیم کنندگان گزارش اذعان می کنند که آخرین بحران در بخش بانکداری تا حدود زیادی به برکت تزریق بودجه به این بخش لنگر انداخت. و این، به باور آنها، نادرست بود. زیرا، اصول اقتصاد بازاری را زیر پا می گذاشت، هزینه بحران را بر مالیات دهندگان تحمیل می کرد، کسری بودجه و بدهی دولتی را افزایش می داد. تنظیم کنندگان گزارش، پولهای سپرده گذاران را که برای نجات سازمانهای پولی- اعتباری پیش بینی می شود، یک پشتیبان جایگزین، نسبتاً «عادلانه»، «مؤثر» و «بازارگراییانه» از بانکها می دانند.

وجوه سپرده گذاران برای استفاده با یکی از این روشها در نظر گرفته شده است: آ- سوبسیدهای بی برگشت؛ ب- وام دهی؛ ج- سرمایه گذاری (خرید سهام و سهم سرمایه مجاز). در گزارش اذعان می شود که تبدیل سپرده ها به اوراق قرضه (سرمایه بانکی) به معنی آن است که مالک پول در جایگاه سپرده گذار، از همان ابتداء، حق ادعای خسارت را که از سوی نظام بیمه دولتی سپرده ها تضمین می شود، از دست می دهد. لازم به یادآوری می دانیم، که شرکت امریکائی بیمه سپرده ها تا کنون بیمه سپرده ها تا ۲۵۰ هزار دالر را تعهد کرده است. در گزارش گفته می شود، که در صورت ادامه بحران بانکی در امریکا، انگلستان (و همچنین در «کشورهای میلیاردی طلائی»)، وجوه نظام دولتی بیمه سپرده ها بسنده نمی کند، بنا بر این، استفاده از وجوه سپرده گذاران برای نجات بانکها اجتناب ناپذیر است. بدین ترتیب، تدوین کنندگان گزارش به نحوی از کنار این مسأله می گذرند که این شیوه ها را تا چه حد می توان «عادلانانه»، «دمکراتیک» و «بازارگرایانه» شمرد. از گزارش همچنین این نتیجه را می توان گرفت، که نظام دولتی بیمه سپرده ها در شرایط کنونی، یک ناهنجاری تاریخی آشکار است.

ایده «اصلاح» سپرده ها در بانکهای قبرس حتی چند ماه قبل از آن که دولتهای اتحادیه اروپا در قبرس اعلام کنند، در هوا به پرواز در آمده بود. روزنامه امریکائی نیویورک تایمز ضمن توضیح و تشریح اوضاع قبرس در شماره ۱۰ جنوری خود، حتی کلمه روسی «اصلاح موی سر» (اصلاح یا تراشیدن موی سر) را به کار برد. این روزنامه صریحاً برنامه بروکسل و بن مبنی بر «اصلاح سر» از ته در جزیره قبرس را مورد تأیید قرار داد. نیویورک تامیز در ادامه نوشت، تقریباً یک پنجم تمام پس اندازهای بانکی در قبرس که به روسها تعلق دارد، به شدت آسیب خواهد دید. در این باره که روزنامه نگاران امریکائی می دانستند که دو ماه بعد در قبرس چه اتفاقی خواهد افتاد، اصلاً تعجب آور نیست. بلکه، اعتماد روسهای مشتری بانکهای قبرس به پا بر جایی مناطق پیرامونی شگفت انگیز است. طبق برآورد کمیسیون اروپا (تا حد قابل ملاحظه کاهش یافته)، مشتریان دو بانک بزرگ قبرس - لایکی بانک و بانک قبرس - در اثر «اصلاح سر»، متحمل ۸ میلیارد و ۳۰۰ میلیون یورو خسارت شدند.

سخنان رئیس جمهور قبرس، نیکوس آناستادیاسیس، که در یکی از سخنرانی هایش در ماه اپریل ۲۰۱۳ بر زبان راند، قابل توجه است. او گفت: «من صمیمانه امیدوارم، که تجربه قبرس در هیچ کجای اروپا دیگر تکرار نشود. اگر چه، همانطور که واضح است، روشها برای توسعه آن هنجارها و اصولی ایجاد می شوند که باید دائماً و در همه جا به کار بسته شود». واقعا هم، تجربه قبرس فوراً در سطح چندین کشور مورد بحث و مذاکره قرار گرفت.

ابتکارات کشورهای مجزا

پس از حادثه قبرس چشم همگان به کشورهای اروپائی مانند پرتغال، اسپانیا، ایتالیا، ایرلند، یونان و سلونیا دوخته شد. اوضاع مالی و اقتصادی در این کشورها به ویژه مساعد نیست، خطر ورشکستگی بانکها بسیار زیاد است. حتی در ماه مارچ انتظار می رفت، که در یکی و یا چند کشوری که از آنها نام برده نشده، ممکن است چنین عملیات مصادره ئی به وقوع بپیوندد. نشأت قابل ملاحظه سپرده ها از بانکهای این کشورها به بانکهای دارای ثبات اقتصادی مشاهده شد. لیکن، در مقابل حادثه دور از انتظار همگانی قبرس، در هزاران کیلومتر دورتر از اروپا، کشورهای زلاندنو و کانادا واکنش نشان دادند.

دولت زلاند نو سعی کرد مکانیسم مشابه قبرس را برای حل مشکل ورشکستگی بانکها به کار اندازد: سپرده گذاران را از بخشی از پس اندازشان که باید برای نجات بانکها صرف شود، محروم می کند. این طرح نجات بانکها به نام «قطنامه شفاف بانکی» نامیده شد. تدوین کننده آن را می توان وزیر دارائی، بیل انگلیس دانست. زیرا این طرح را او قبل از حادثه قبرس مطرح ساخت؛ حادثه قبرس روحیه وی را تقویت کرد و اجازه داد طرح خود را برای بحث و

مذاکره به مجلس قانونگذاری کشور ارائه دهد. «بانک ذخیره (بانک مرکزی زلاند نو) در مرحله پایانی اجرای سیستم مدیریت ورشکستگی بانکی، موسوم به قطنامه شفاف بانکی قرار دارد. رهبر حزب سبز، راسل نورمان، میگوید: «بر اساس این طرح، همه سپرده گذاران موظفند بانک خود را نجات دهند. سپرده تقریباً همه مشتریان همزمان به میزان پنجاه درصد، حد ضرور برای حمایت از بانکها، کسر خواهد شد».

«قطنامه شفاف بانکی» یک مکانیسم از پیش «طراحی شده» برای مصادره سپرده ها بود و این امر تا آن زمان (ماه مارچ ۲۰۱۳)، در جهان سابقه نداشت. اکثریت کشورهای «میلیاردر طلایی» از طرح بیمه سپرده ها که پس اندازهای ۱۰۰-۲۵۰ هزار دالر مردم را تضمین می کند، پشتیبانی می کنند. در اینجا، غصب پولهای مردم مورد نظر است. کارشناسان بسیاری همانوقت به «نوآوریهای» مقامات مالی زلاند نو متحیرانه نگاه می کردند، که کاربست آنها می تواند به نظام بانکی کشور نقطه پایان بگذارد.

دولت کانادا هر سال سندی با عنوان «طرح اقدام اقتصادی» را که از سوی وزارت دارائی تنظیم می شود، به پارلمان کشور تقدیم می کند. ۲۱ ماه مارچ سال جاری طرح سال ۲۰۱۳ را تقدیم کرد. در صفحه ۱۵۵ سند فوق الذکر آمده است: «دولت به بانکهای بزرگ پیشنهاد می کند، که در صورت نیاز، وضعیت اجباری جلب بدهی های بانکی به پروسه کمک رسانی های فوری را به کار ببندند. حوزه عمل این وضعیت تا آنجا خواهد بود، که در صورت بروز اوضاع نامطلوب کاهش سرمایه بانکهای مهم، آنها بتوانند تجدید سرمایه نموده و از طریق افزودن سریع بدهی های معین بانکی به سرمایه ثابت، قابلیت تجدید حیات به دست بیاورند». ترجمه صریح این موضوع به زبان قابل فهم این است که وجوه سپرده گذاران می توانند در خدمت نجات بانکها قرار گیرند.

حادثه قبرس باعث شروع بحثها بر سر مسأله «اصلاح سر» سپرده ها در امریکا هم گردید. از سوی برخی نمایندگان مجلس اقداماتی در جهت استفاده از وجوه سپرده گذاران برای نجات بانکهای امریکائی به عمل آمد، اما این ابتکارات حتی موفق به جلب حداقل آراء هم نشدند. چرا؟ «اصلاح سر» سپرده گذاران در قبرس را، «مالیات برای ثروتمندان» نامیدند، ولی مفسران آن را «سزاوار» دانستند، زیرا، اکثریت پولهای موجود در حسابهای قبرس به الیگارشهای فراری از مالیات و پولشو تعلق داشت. با این وجود، اگر این طرح در امریکا اجراء می شد، مفهومی جز مالیات بر فقراء و طبقه متوسط نمی توانست داشته باشد. چرا که ثروتمندان امریکا بخش بزرگی از پولهای خود را در حسابهای بانکی نگه نمیدارند. آنها این پولها را نه در بازارهای بورس، بلکه، به صورت املاک و مستغلات، اوراق بهادار فرابورسی و یا به شکل طلا و نقره و غیره نگه می دارند. پیشنهاد «اصلاح سر» پس اندازهای بانکی در امریکا پذیرفته نشد. زیرا، با روحیه امروزی امریکا که به توزیع عادلانه درآمدها معطوف است، در تضاد بود. ضمناً، این را نیز یادآوری می کرد، که نه تنها پس اندازها، حتی دارائی های شهروندان (از قضاء ثروتمندان) را که در گاوصندوقهای (در سلولهای) بانکی نگه می دارند، «کوتاه می کرد». این دیگر تجربه قبرس نبود. این «کاردانی»، منشاء امریکائی داشت. حتی در سال ۲۰۱۰ وزارت امنیت داخلی امریکا خطاب به بانکداران این کشور یک بخشنامه هوشداردهنده حاکی از احتمال دسترسی پولیس فدرال و دیگر سازمانهای امنیتی به گاوصندوقهای (سلولهای) بانکی، که دارائی مشتریان در آنها نگهداری می شود، صادر کرد. بر اساس این بخشنامه، در صورت لزوم سازمانهای امنیتی می توانند نه تنها اسناد، بلکه طلا، دیگر فلزات گرانبها و سایر دارائی های نگهداری شده در گاوصندوقها را به منظور «تأمین امنیت ملی» مصادره نمایند. البته، هنگام صدور بخشنامه (سال ۲۰۱۰) به نظر می رسید، که هدف از آن، مبارزه با جرایم سازمانیافته، قاچاق مواد مخدر، حمایت مالی از تروریسم و غیره است. بخشنامه برای اجرای مؤثرتر «قانون وطن پرستانه» (Patriot Act) مصوب پس از حادثه ۱۱ سپتمبر ۲۰۰۱ تنظیم شده بود. اما در سال ۲۰۱۳ برخی کارشناسان بر مبنای این بخشنامه، پیشنهاد کردند که ورشکستگی بانکها به مثابه جدی ترین تهدید برای امنیت ملی تلقی شود. بر

این اساس، آنها به این نتیجه گیری غیرمنتظره رسیدند، که به خاطر نجات بانکها می توان گاو صندوقها را مورد «بارزی» قرار داد و دارائی های قیمتی کشف شده را برای نجات بانکها به کار گرفت. این هم از تقدس مالکیت خصوصی! در امریکا تئوری «هدف وسیله را توجیه می کند»، سر به طغیان برداشته است.

اروپا برای «اصلاح» جدی آماده می شود

اروپا، به سخن دقیق تر، اتحادیه اروپا سریعتر از همه به سوی ایجاد نظام «اصلاح» سپرده ها حرکت می کند. اولین گام عملی در این راستا، ۲۴ اپریل سال ۲۰۱۳ زمانی که کمیسیون اقتصادی و مسائل مالی پارلمان اروپا بر له تدوین و تصویب مقررات و روش واحد استفاده از وجوه سپرده گذاران برای نجات بانکها رأی داد، برداشته شد. این مقررات و روش باید در همه کشورهای اتحادیه اروپا به طور واحد به اجرا درآید. یکی از معماران نظام جدید، گونار هکمارک، نماینده پارلمان اروپا از حزب محافظه کار سویدن بود. در اواسط ماه می موضوع تشکیل نظام «اصلاح» سپرده های بانکی در جلسه شورای اروپا در سطح وزیران اقتصاد و دارائی به ریاست میشل بارنیه، کمیسر مسأله بازار داخلی اروپا مورد بحث و مذاکره قرار گرفت. بالاخره، ۲۰ ماه می نمایندگان پارلمان اروپا لایحه قانونی مکانیسم حمایت از بانکها با کمک وجوه سپرده گذاران را تصویب کرد. پس از رأی گیری نهائی و تصویب قانون اروپا، این قانون باید به تصویب پارلمان کشورهای عضو اتحادیه اروپا برسد و آنها باید منطبق با آن قوانینی هم تصویب نمایند. مفاد اصلی مندرج در این لایحه قانونی را تا امروز می توان به ترتیب زیر جمع بندی کرد:

- ۱- نظام بیمه سپرده های بانکی تا سطح ۱۰۰ هزار یورو حفظ می شود.
 - ۲- پس اندازهای بیش از ۱۰۰ هزار یورو برای حمایت از ثبات بانکها و ممانعت از ورشکستگی آنها استفاده می شود.
 - ۳- مکانیسم جدید حمایت از بانکها از سال ۲۰۱۶ به کار خواهد افتاد.
 - ۴- در کشورهای عضو اتحادیه اروپا نهادهای ملی حمایت از بانکها که باید به حساب سهام بانکها شکل بگیرد، تشکیل می شود. آنچه که به تشکیل بنیاد عمومی حمایت از بانکها برای اتحادیه اروپا اهمیت دارد، این است که در باره این موضوع هنوز مورد (از جمله، به خاطر مخالف المان) توافق حاصل نشده است.
 - ۵- سپرده گذاران بانکها به دو دسته تقسیم می شوند: آ- قابل اعتماد؛ ب- پر مخاطره. اقدامات مرتبط با مصادره پس اندازها، به دسته بندی سپرده گذاران بستگی دارد.
- ماده آخر بیش از همه جالب توجه است. هیچ معیار روشنی برای نشان دادن تعلق صاحبان پس اندازها به این یا آن دسته بندی وجود ندارد. در هر حال، برخی مفسران اکنون دیگر کلید رمز این ماده را کشف کرده اند. منظور از «قابل اعتمادها» در وهله اول، سپرده گذاران خودی (از منطقه اتحادیه اروپا) می باشد. اما صاحبان «خارجی» پس اندازها جزو دسته «پر مخاطره ها» شناخته می شوند. مثلاً، واضح است، که سپرده گذاران روسیه نیز در ردیف «پر مخاطره ها» قرار می گیرند. چنین برخوردی با مشتریان بالقوه از روسیه هیچ تازگی ندارد. زمانی که در بهار سال جاری سپرده گذاران روسیه در قبرس در جست و جوی سکوی پرش به لیتوانی، لتونی، استونی، لهستان و برخی کشورهای اروپای شرقی بودند، از بروکسل به بانکهای این کشور نپیچ زده شد. مقامات اروپائی، به بانکداران اروپای شرقی هوشدار دادند، که آنها باید از کار با مشتریان روس، خودداری نمایند. زیرا، پولهای با منشاء روسیه دارای مشروعیت لازم نیستند. بدین سبب، باید این واقعیت را پذیرفت، که پولهای انتقال یافته اتباع روسیه به کشورهای عضو اتحادیه اروپا، دائماً زیر شمشیر داموکلس مصادره قرار دارد.

مؤخره مترجم

در این روزها که چند روز بیشتر به انتخابات یازدهمین دوره ریاست جمهوری ایران نمانده، شاید، این پرسش برای برخی رفق و علاقه مندان پیش بیاید که چرا من همچنان به شناخت و معرفی ساختار متقلبانه مالی- اقتصادی نظام غیرانسانی سرمایه داری ادامه می دهم و در قبال انتخابات ایران اعلام موضع نمی کنم. برای این کار خود، من دلایل چندی دارم. از جمله این که، اولاً- در یک تقسیم کار اعلام نشده، من فعلاً این بخش را به عهده گرفته ام که مافیاهای پول و طلا و مواد مخدر را که مجموعاً دولت مخفی جهانی را تشکیل می دهند و منبع و منشاء تمام مفساد و مصایب و فجایع جهان هستند، بیشتر بشناسم تا بهتر بشناسانم. ثانیاً، به عقیده من، با انتخابات، چه «آزاد و شفاف» که لیبرالهای وطنی بی وطن مطرح می کنند و چه فریبکارانه و مهندسی شده که مجموعاً در غرب برگزار می شود، نه ماهیت و جوهر ضدبشری سرمایه داری را می توان تغییر داد و نه، آزادی و عدالت می توان برقرار ساخت. با انتخابات فقط مهره ها جابه جا می شوند و دیگر هیچ. انتخابات سراسری، از جمله انتخابات ریاست جمهوری در هر کشور دلخواه، چه در غرب امپریالیستی- فاشیستی، چه در شرق استبدادی- مذهبی و یا در کشورهای حاشیه ئی و پیرامونی، در مجموع یک حقه بازی و عوامفریبی آشکار برای حفظ و تقویت نظام سرمایه داری است. بنابر این، به عقیده من، انتخابات بی انتخابات!

ولذا، بگذار طرفداران انتخابات «آزاد و شفاف» یا انتخابات فریبکارانه و حقه بازانه به سرگردانی خود در این دایره بسته ادامه دهند و ما به وظیفه وجدانی و انسانی خود در زمینه تکمیل تصویر هیولای حاکم بر جهان عمل کنیم.

*- پروفیسور، دکتر علوم اقتصاد، مدیر مرکز پژوهشهای اقتصادی روسیه

به نام «سرگئی فیودوروویچ شاراپوف»

<http://www.fondsk.ru/news/2013/06/03/konfiskacia-bankovskih-depozitov-kak-globalnaja-perspektiva-20851.html>

۲۰ خرداد- جوزا ۱۳۹۲